

تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه

دکتر رحمت اله مرزوقی
عضو هیات علمی دانشگاه شیراز
عباس اناری نژاد
دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز

چکیده

از منظر امام علی(ع) هر کدام از اعضای جامعه عضوی از پیکره امت اسلامی اند که دارای ارتباط عمیق و صمیمی و دارای حقوقی متقابل نسبت به یکدیگرند. تربیت اجتماعی نیز در پی آن است تا بین مسلمانان همبستگی و اتحاد به وجود آید، افراد نسبت به امور جامعه اهتمام بورزند، با انصاف و عدالت خواهی حقوق دیگران را رعایت نمایند، در انجام امور اجتماعی همکاری و تعاون داشته باشند و به برقراری روابط مهرآمیز و معاشرت با دیگران بپردازند. به همین سبب، در این نوشتار مفهوم، اهداف، اصول و روش های تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی

تربیت اجتماعی، اهداف تربیت، اصول تربیت، روش های تربیت.

مقدمه

انسان موجودی است که در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند و به همان نسبت که از نظر آثار وجودی خویش بر اجتماع تأثیر می‌گذارد، این آثار و خواص وجودی، با تشکیل هویتی مستقل، یک موجودیت اجتماعی را پدید می‌آورد که به نحو مقتضی فرد را تحت تأثیر و تربیت خویش قرار می‌دهد. با توجه به چنین تعاملی است که حضرت امیر(ع) به تأثیر تربیتی محیط اجتماع پرداخته و اهمیت و نقش آن را در سازندگی شخصیت فرد یادآور شده است. چنان‌که در نامه‌ای به حارث همدانی وی را به نوع روابط اجتماعی و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی توجه داده و نقش تربیتی آن را نیز مهم معرفی فرموده است. در این باره حضرت می‌فرماید: «در شهرهای بزرگ سکونت کن، زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می‌دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند، بپرهیز» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

در یک زندگی سالم اجتماعی افراد قوانین، حدود و حقوق یکدیگر را محترم می‌شمارند، عدالت را امری مقدس به حساب می‌آورند، به یکدیگر مهر می‌ورزند، به یکدیگر اعتماد و اطمینان دارند، هرفردی خود را متعهد و مسئول اجتماع خویش می‌شمارد، در سری‌ترین نهانخانه همان تقوا و عفاف از آنها بروز می‌کند که در ملاءعام در نهایت بی‌طمعی به یکدیگر نیکی می‌کنند، در مقابل ظلم و ستم بپا می‌خیزند و به ستمگر و فسادگر مجال ستمگری و افساد نمی‌دهند، ارزش‌های اخلاقی را محترم می‌شمارند، و با یکدیگر مانند اعضای یک‌پیکر متحد و متفق می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۹).

بی‌گمان روابط سالم اجتماعی و مناسبات معتدل و عاطفی بر پایه کرامت انسان و توأم با عدالت و انصاف تأثیری سازنده بر تربیت مردم دارد؛ و روابط ناسالم اجتماعی و مناسبات غیرمعتدل برخاسته از افراط و تفریط بر پایه حقارت انسان و توأم با ستمگری و تبعیض تأثیری مخرب بر تربیت افراد دارد. به عبارت دیگر، سلامت دین و دنیای مردم به سلامت اجتماع بستگی دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹). از این روست که تربیت

افراد جز با اهتمام به تربیت اجتماع و ایجاد تحولات در جهت اهداف تربیتی به درستی ممکن و میسر نیست. چراکه زمینه بسیاری از کجروی‌ها، انحرافات، ناسازگاری‌ها و انحطاط‌های اخلاقی که در سطح وسیع روزگار حال و آینده نسل بشر را تهدید می‌کند، حاصل اجتماع و محیط ناسالم است.

به تبع برخوردار بودن انسان از ابعاد گوناگون، تربیت نیز ابعادی دارد که شامل تربیت اخلاقی، دینی، عاطفی، جسمی، اجتماعی و... می‌شود. هریک از این ابعاد در متون اسلامی و سیره معصومین (ع) مورد توجه قرار گرفته‌اند که در این نوشتار به مقوله تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

تربیت

واژه تربیت از ریشه «رَبَّو» و باب تفعیل است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ گردیده است و در مشتقات مختلف آن می‌توان این معنی را به نوعی بازیافت. بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنی فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۸۴). علاوه بر این، تربیت به معنی تهذیب و تزکیه نیز استعمال شده که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است، با این برداشت که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تهذیب را تربیت دانست. چنان‌که در قرآن کریم از تربیت و پرورش و روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است:

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ چنانکه از میان شما پیامبری فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم حکمت و شریعت دهد و از او هرچه را نمی‌دانید، بیاموزید» (بقره، آیه ۱۵۱) و این معنی را در آیات دیگری از کلام الهی نیز برداشت می‌کنیم. (آل عمران، آیه ۱۶۴ و جمعه، آیه ۲).

اما تربیت در اصطلاح قرآن، پرورش جسم و تن را هم شامل می‌گردد؛ جایی که

فرعون حضرت موسی(ع) را بازشناخته و وی را مورد خطاب قرار می‌دهد:

«أَلَمْ تُرَبِّكْ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ؛ تو آن کودکی نیستی که ما پروریدیم و سال‌ها عمرت در نزد ما گذشت؟» (شعراء، آیه ۱۸). و در سفارش نسبت به پدر و مادر آمده است:

«وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و بگو پروردگارا، چنان‌که پدر و مادر مرا از کودکی به مهربانی پروردند، تو در حق آنها مهربانی فرما» (اسراء، آیه ۲۴).

حضرت علی(ع) نیز در ستایش انصار، آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی کرده، می‌فرماید: «هُم وَاللَّهِ رَبُّوْهُ الْإِسْلَامُ كَمَا يَرْبِي الْفُلُوْءَ مَعَ غَنَائِهِمْ بَايَدِهِمُ السَّبَاطُ وَ السَّنْتَهُمُ السَّلَاطُ؛ به خدا آنان اسلام را پروراندند، چنان‌که کره اسب از شیر گرفته را پروراندند، با توانگری و دست‌های بخشنده و زبانهای برنده» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۵). آن حضرت در بیان انگیزه و هدف و فرستاده شدن پیامبران الهی برای مردم، تربیت را نوعی شکوفا نمودن استعدادهای درونی و فطری انسان معنا می‌کند و می‌فرماید: «خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود، و هرچندگاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

با توجه به معنا و مفهوم یاد شده در بحث تربیت انسان، واژه تربیت بر پرورش استعدادهای انسانی یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند و در عین حال مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی، که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یازیده و قلّه رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید. روی کردن به تربیت صحیح، پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است، و رسالت همه پیام‌آوران الهی تربیت

انسان‌ها بوده است، و اینکه موانع تربیت فطری را از سر راه آدمیان بردارند و آنان را از اسارت غیرحق برهانند و غل و زنجیرها را از دست و پای انسان‌ها بگشایند و بستر مناسب سیر آنان به سوی کمال مطلق را فراهم نمایند. به عبارت دیگر، تربیت از منظر اسلامی دارای سیری ربوبی و جهت‌گیری الهی است و تمامی ابعاد و اقدامات تربیتی بایستی براساس این رویکرد مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد.

تربیت اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و براساس آیات کریمه قرآن اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. آن‌چنان‌که در سوره حجرات آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا بدین وسیله یکدیگر را بازشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست» (حجرات، آیه ۱۳).

انسان اجتماعی برای رفع نیازمندی‌های خویش ناگزیر است با گروه‌ها و افراد مختلف در جامعه روابطی را برقرار سازد. این روابط به دلیل پیچیدگی شخصیت و ماهیت اجتماعی و فردی انسان، برای وی مسائلی را به وجود می‌آورد که باید بتواند بهترین شیوه را برای برخورد با این مسائل بیابد و به آن عمل کند.

مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است، تا از این طریق به بهترین شکل حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمانان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند و به تعبیری دیگر، می‌توان تربیت اجتماعی را آشنا ساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش دانست.

تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام تربیتی اسلام است. اسلام دین

عزالت‌گزینی و فردگرایی نیست، بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسائل اجتماعی نیز توجه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است. همچنان‌که در سیره معصومان(ع) به ویژه امام علی(ع) نیز تربیت اجتماعی از جایگاهی ویژه و با اهمیت برخوردار است.

از دیدگاه امام علی(ع) مسلمانان در جامعه اسلامی با یکدیگر برادر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد: «وَلَا حَيْكَ عَلَيْكَ مِثْلَ الَّذِي لَكَ عَلَيْهِ؛ هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم برگردن تو دارد» (حرانی، ۱۳۵۴، ص ۹۲).

پیامبر اکرم(ص) نیز با توجه به اصل اجتماعی شدن به گرایش افراد نسبت به اجتماع و تعامل با دیگران توصیه و تأکید نموده و می‌فرماید: «راس عقل، بعد از ایمان، دوستی و معاشرت با مردم و خیر رساندن به همه انسان‌های خوب و بد است» (مجلسی، ۱۳۵۳، ص ۳۹۲). در همین زمینه امام صادق(ع) می‌فرماید: با یکدیگر ارتباط داشته باشید و به هم نیکی کنید و دلسوز و مهربان باشید، همان‌گونه که خدا فرموده، برادر نیکوکار باشید (مجلسی، ۱۳۵۳، ص ۳۹۹).

از احادیث مذکور و دهها حدیث دیگر استفاده می‌شود که اسلام نسبت به اصل اجتماعی شدن افراد و پرورش گرایش‌های اجتماعی، و در نتیجه فرهنگ‌پذیری و تربیت اجتماعی عنایت خاصی دارد. اسلام عموم مسلمانان جهان را یک جامعه و امت می‌داند و هریک از مسلمانان فردی از جامعه بزرگ اسلام بلکه به منزله عضوی از پیکر اسلام محسوب می‌شود. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء، آیه ۹۲). بنابراین هر مسلمان به امت بزرگ اسلامی وابسته است و نمی‌تواند نسبت به اوضاع عموم جامعه بی‌تفاوت باشد و این خود نشان‌دهنده لزوم توجه به نقش و اهمیت بُعد تربیت اجتماعی در نظام تربیتی اسلام است.

اهداف تربیت اجتماعی

با بررسی و تعمق در متون اسلامی و کلام و سیره معصومین(ع)، به ویژه امام علی(ع)، می‌توان موضوع تربیت اجتماعی را براساس پنج هدف ذیل مورد بحث قرار داد:

۱. همبستگی و اتحاد مسلمانان با یکدیگر

یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت اجتماعی مورد تأکید در اسلام ایجاد و پرورش روحیه اخوت و برادری و تفاهم و همدلی در بین مسلمانان و جلوگیری از اختلاف و تفرقه می‌باشد که در قرآن و روایات معصومین (ع) نیز تأکیدات فراوانی بر آنها صورت گرفته است.

خداوند در آیات بی‌شماری از قرآن ضمن امت واحده خواندن مسلمانان، عموم مؤمنین را از یک خانواده می‌شمارد و نسبت به هرگونه تفرقه و دشمنی هشدار می‌دهد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ همانا که مؤمنان همه برادر یکدیگرند، پس بین برادرانتان صلح دهید و خداترس شوید، باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید» (حجرات، آیه ۱۰).

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و پراکنده نشوید» (آل عمران، آیه ۱۰۳).

امام علی (ع) نیز مسلمانان را برادر یکدیگر می‌خواند و برای مقابله با فتنه‌ها، آنها را به پیوند با یکدیگر دعوت می‌نماید: «و در برابر فتنه‌ها، آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار، و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱). آن حضرت با شکوه از تفرقه و نفاق در بین مسلمین، ره‌آوردهای آن را برای جامعه مسلمانان بسیار شوم و خطرناک می‌داند و ضرورت پرهیز از آن را یادآور گردیده است. «ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات (اهل بیت) درهم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید» (نهج البلاغه، خطبه ۵). ایشان در تلاش برای حفظ وحدت میان مسلمانان، مبانی وحدت امت اسلامی را ایمان به خدا، پیروی از دین اسلام و توسل به کتاب قرآن و اهل بیت (ع) معرفی می‌نماید.

با توجه به مطالب فوق ارزش و اهمیت وحدت و همبستگی مسلمانان در جامعه آشکار می‌گردد که لازم است در امر تربیت اجتماعی افراد مد نظر قرار گیرد.

۲. اهتمام به امور مسلمانان و داشتن روحیه حساسیت نسبت به مسائل جامعه

افراد در جامعه اسلامی به عنوان عضوی از جامعه بزرگ اسلام نمی‌توانند نسبت به اوضاع عموم جامعه بی‌تفاوت باشند. آنها نباید از کنار کجروی‌ها و انحرافات که احیاناً از جانب دیگر اعضای اجتماع مشاهده می‌کنند، بی‌تفاوت بگذرند، بلکه تا حد امکان و مطابق با وظایف خویش، باید در جهت نفی و زدودن این انحرافات بکوشند و در همین راستاست که در اسلام تأکید زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق و مقابله با ظالم و امور اجتماعی دیگر صورت گرفته است. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده و از بدکاری نهی کنند که به حقیقت، واسطه هدایت خلق هستند و رستگار خواهند بود» (آل عمران، آیه ۱۰۴).

امیرالمومنین علی (ع) به کرات ارزش و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را یادآور شده و آن را به عنوان یکی از مهمترین وظایف اجتماعی افراد در جامعه مورد تأکید قرار داده و مسلمانان را در پرداختن به این وظیفه مهم اجتماعی توصیه نموده است و از کسانی که در انجام این امر خطیر کوتاهی می‌کنند به بدی یاد کرده است. آن حضرت در نامه ۴۷ نهج البلاغه در وصیت به فرزندان خود از همگان می‌خواهد که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنند تا بدی‌ها بر آنان مسلط نگردد. وی ترک این وظیفه مهم را باعث رویگردانی خداوند نسبت به بندگان می‌داند: «خداوند سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر».

از طرف دیگر آیات و روایات زیادی نیز وجود دارد که انسان‌ها را به اهتمام در جهت اصلاح و بهسازی امور اجتماعی هدایت کرده، که از جمله آنها روایتی است از پیامبر اکرم (ص) که از اهتمام به امور مسلمانان سخن گفته و از بی‌تفاوتی و لاقیدی برحذر داشته است: «هرکس نسبت به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست، و هر کس صدای استغاثه مسلمانانی را بشنود و به یاری او نشتابد مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۶۴).

اسلام حتی فراتر از این، همه انسان‌ها را بندگان خدا می‌داند و احسان و خدمت‌رسانی به آنان را یک ارزش بزرگ محسوب می‌دارد. پیامبر اکرم(ص) در این رابطه می‌فرماید: «انسان‌ها روزی خوار خدا هستند. پس بهترین مردم کسی است که نفعش بیشتر به مردم برسد» (مجلسی، ۱۳۵۳، ج ۷۴، ص ۳۱۶).

امام علی(ع) نیز در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه یکی از واجبات الهی را یاری دادن به یکدیگر می‌داند که جزء حقوق اجتماعی مسلمانان به حساب می‌آید. وی در واقعه حمله لشکر شام به شهر انبار و غارت اموال زنان مسلمان و غیرمسلمان این‌گونه از بی‌تفاوتی اهالی کوفه ابراز تأسف می‌کند که: «اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

نتیجه اینکه، انسان مؤمن نباید تنها به سلامت خود خرسند باشد، بلکه می‌بایست نسبت به محیط زندگی جامعه خود احساس مسئولیت کند و برای احقاق حق مظلوم و مقابله با ظالم به مبارزه برخیزد و برای زندگی معنوی و اخروی جامعه نیز تلاش نماید. بنابراین از هدف‌های مهم تربیت در بُعد اجتماعی، پرورش کسانی است که به عنوان عضوی از جامعه، دغدغه و حساسیت نسبت به امور مسلمین آنها را از لایقیدی منع کرده است. شکی نیست در اینکه چنین کسی خود را قویاً ملتزم و متعهد به وظایف و تعهدات اجتماعی خویش خواهد دانست و خود را با معیارهای «بهترین عضو برای جامعه» هماهنگ خواهد کرد.

۳. رعایت حقوق انسان‌ها و مراعات انصاف و عدالت خواهی

یکی از اهداف مهم تربیت اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی است که منظور از آن این است که انسان نسبت به حقوق دیگران از حق تجاوز نکند و تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار نگرفته، از راه راست منحرف نشود. عدالت و دادگری به معنای انصاف، یکی از خواسته‌های درونی هر انسان است و تمام آحاد مردم در هر زمان و مکان و در هر حالت طرفدار آن می‌باشند و با تمام توان از حریم آن دفاع می‌کنند و با ناقضین آن به ستیز برمی‌خیزند و متقابلاً اهل قسط را به انجام آن تشویق می‌کنند.

خداوند در قرآن مجید، اهل ایمان و بندگانش را به مراعات عدل و انصاف دعوت نموده و از آنان می‌خواهد پیوسته طرفدار عدل بوده و جامعه مسلمین را به سوی آن سوق دهند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ». (نساء، آیه ۱۳۵).

در همین زمینه از ائمه هدی و پیشوایان دینی نیز سخنان ارزشمندی به یادگار مانده است. از جمله مولای متقیان علی(ع) که خود تجسم قسط و عدالت بوده است و در تمام زمینه‌ها و در کردار و گفتار خویش راه عدالت را نشان داده و پیروان و راهیان راهش را به انجام آن توصیه نموده است. هم‌چنان‌که آن حضرت به کارگزارانش در شهرها و مرزها تأکید می‌کرد که با عموم مردم به عدالت و انصاف رفتار کنند، حقوق دیگران را ضایع نکنند و دوستی و دشمنی با افراد، آنان را در برقراری قسط و عدالت دچار خطا و لغزش ننمایند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ و حکمت ۲۷۶).

در منظر امام علی(ع) عدالت در رأس اموری قرار دارد که بستر تربیت مردمان را فراهم می‌کند. بدون عدالت، برپایی مردمان و سیر آنان به سوی کمال انسانی تحقق نمی‌یابد و فارغ از اهتمام برای عدالت و تدارک آن، تربیت حقیقی حاصل نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸).

عدالت‌دوستی و عدالت‌خواهی و انزجار از ظلم و بیدادگری از جمله فطریاتی است که حیات انسانیت در گرو آن است و با ضعیف شدن آن، انسانیت انسان رو به اضمحلال می‌رود و با بی‌رنگ شدن آن در جوامع انسان‌ها به تباهی کشیده می‌شوند. هرچه فطرت عدالت‌دوستی و عدالت‌خواهی در مردمان زنده‌تر و قوی‌تر باشد، سلامت فرد و جامعه بیشتر است.

۴. تعاون و همفکری در امور و تکافل اجتماعی

انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود، برای انجام کارهای گوناگون با یکدیگر تعاون و همکاری دارند. تعاون، بر یاری و پشتیبانی افراد جامعه از یکدیگر و مشارکت و همکاری آنان در انجام کارهای اجتماعی و فردی دلالت دارد. با تعاون و دست در دست یکدیگر قرار دادن، بهتر می‌توان به رفع گرفتاری‌ها و مشکلات، دفاع از حقوق یکدیگر، مبارزه با دشمنان و... پرداخت.

تعاون در انجام کارهای نیک و خدایپسندانه از زیباترین ابعاد تعاون است که مورد تأکید قرآن و اولیای گرامی اسلام می‌باشد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید و در راه گناه و تعدی همکاری نکنید» (مائده، آیه ۲).

حضرت علی(ع) نیز با تأکید بر تعاون در کارهای نیک می‌فرماید: «چون خیر و نیکی یافتید به کمک و یاری آن بشتابید و اگر شری دیدید از آن فاصله بگیرید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

از سوی دیگر، امام علی(ع) اصل همیاری اجتماعی را امری واجب به شمار می‌آورد که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد. مبنای همیاری اجتماعی در اسلام براساس حقوقی است که فرد بر گردن جامعه دارد. هم‌چنانکه کمک‌رسانی به فقیران و یاری نیازمندان از جمله وظایفی است که توانگران جامعه ملزم به انجام آن می‌باشند. امام علی(ع) از چنین افرادی که مسئولیت کمک و یاری رساندن به ضعفا را به دوش می‌کشند به نیکی یاد می‌کند: «بخشنده‌ترین مردمان کسی است که دیگران از نعمت او بهره‌مند شوند» (به نقل از اینترنت). اسلام براساس اصل تعاون و با استفاده از ارزش‌هایی که از راه ایجاد روحیه همکاری و همیاری در جامعه فراهم نموده است، مسئولیت‌های سنگینی را برعهده جامعه می‌گذارد. زیرا انسان‌ها به یکدیگر نیازمندند و انسانی از انسان دیگر بی‌نیاز نیست. چنان‌که حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «از خداوند بخواه که تو را از مردم بی‌نیاز کند زیرا که انسان‌ها همچون اعضای بدن به یکدیگر وابسته اند. چه وقت انسان از دستش یا پایش بی‌نیاز می‌شود؟ ولی از خداوند بخواه که تو را نیازمند مردمان شرور نسازد». (همان)

و در همین رابطه است که اسلام همفکری و مشورت در امور را در راستای توجه به اصل مشارکت مردم در کارها توصیه می‌نماید. آن‌چنان‌که خداوند به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد که در امور مربوط به مردم با آنها مشورت نماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ؛ حل و فصل امور مردم از طریق مشارکت خود مردم باید انجام شود» (شوری، آیه ۳۸).

معاشرت و برقراری روابط مهر آمیز با دیگران

انسان موجودی است اجتماعی و ناگزیر از معاشرت؛ معاشرت و رفاقت در زندگی انسان از مسائل مهم و قابل توجه بوده و از جمله واقعیاتی است که در اثرگذاری و اثرپذیری بسیار نیرومند و در مرتبه‌ای است که کمتر چیزی در حیات انسانی به این مرتبه می‌رسد. دوستی و دوست‌یابی، حقیقتی است که فطرت و طبیعت همه انسان‌ها نسبت به آن کشش دارد و این کشش فطری به خاطر این است که خداوند انسان را مدنی‌الطبع و اجتماعی آفریده است و تأمین بخشی از نیازهای مادی و معنوی او را به عهده دیگران قرار داده است (انصاریان، ۱۳۸۳).

امیرمؤمنان علی(ع) در خصوص نحوه معاشرت با دیگران می‌فرماید: «با مردم آن‌گونه معاشرت کنید که اگر مردید بر شما اشک ریزند و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰). آن حضرت همواره مدیران و کارگزاران خویش را به پیوند و برقراری روابط نیکو با مردم به‌ویژه با پرهیزکاران و راستگویان سفارش می‌فرمود (نهج‌البلاغه، نامه‌های ۵۰ و ۵۳). هم‌چنان‌که امام حسن(ع) را به برقراری پیوند دوستی با دوستان و مهربانی و بخشندگی نسبت به آنها توصیه می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن؛ و اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن» (همان، نامه ۳۱).

با مطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی(ع) به خوبی آشکار می‌گردد که آن حضرت به معاشرت و برخورد محبت‌آمیز با مردم عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و در این زمینه به اصول و ضوابطی معتقد بودند که اگر افراد در همه زمینه‌های معاشرت به آنها پایبند باشند، همای سعادت و خوشبختی را در آغوش خواهند گرفت و از طریق معاشرت و رفاقت صحیح به تأمین برخی امور مادی و معنوی خود و دیگران موفق خواهند شد. برخی از این اصول عبارتند از:

الف) خوش اخلاقی با مردم «همنشینی چون اخلاق خوش نیست» (همان، حکمت ۱۱۳).

- ب) رعایت ادب و احترام «هیچ ارثی چون ادب نیست» (همان، حکمت ۵۴).
- ج) محبت و مهربانی به دیگران «دلت را برای مردم کانون مهر و محبت ساز و با همه دوست و مهربان باش» (همان، نامه ۵۳).
- د) اصلاح بین یکدیگر «شما را به ترس از خدا، نظم در امور و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم» (همان، نامه ۴۷).
- ه) نیکو سخن گفتن با دیگران «چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کند» (همان، خطبه ۱۷۶).
- و) ارتباط و همنشینی با دیگران «میوه عقل و خرد همنشینی با نیکان است» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۳۲۷).

اصول تربیت اجتماعی

با توجه به مفهوم تربیت اجتماعی و اهدافی که برای آن برشمرده شد، در اینجا پنج اصل اساسی در عرصه تربیت اجتماعی قابل طرح می‌باشد که تحت عناوین «وحدت، مسئولیت، عدالت، مشارکت، و محبت و مودت» مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. وحدت

سازگاری، همدلی و همگامی با برادران دینی در شئون زندگی از جمله اصول تربیت اجتماعی است که اسلام بدان عنایت ویژه دارد و هرگز اجازه نمی‌دهد که یکپارچگی و وحدت جامعه اسلامی دچار تفرقه و تزلزل گردد و هر کس برای خود راهی پوید و هر گروه برای خودش مسیری تعیین نماید.

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران ضمن یادآوری دوزخ تفرقه و تشتت دوران جاهلی، نعمت بزرگ برادری و اتحاد مدینه فاضله اسلامی را یادآوری می‌کند و به یکی از محورهای وحدت (حبیل الله) پرداخته، فرد و جامعه را به اتحاد و یکپارچگی فرا می‌خواند. در فرهنگ علوی نیز وحدت معنایی جز یکدلی و هماهنگی بر گرد حق و تمرکز همه نیروها برای تحکیم و برپایی حق و نابودی باطل، ندارد. آنان که اهل حق‌اند و بر

طاعت پروردگار پایدارند، وحدت آفرین و پیونددهنده امت اسلامی محسوب می‌شوند و آنان که از حق روی گردانند و پیروان راه شیطانند، تفرقه‌افکن و مخالف وحدت می‌باشند. با توجه به تأکید اسلام و ائمه معصومین (ع) نسبت به حفظ وحدت امت اسلامی مسلمانان وظیفه دارند خود را وابسته به جامعه بزرگ اسلام بدانند، به مجد، عظمت، قدرت و شوکت آن بیندیشند و در برابر دشمنان از آن دفاع نمایند. این نکته یکی از امتیازات اسلام به شمار می‌رود که در تربیت اجتماعی افراد در خانواده، مدرسه و جامعه باید منظور نظر اولیای مربیان و صاحب‌نظران علوم تربیتی قرار گیرد. به عبارت دیگر، افراد در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای تربیت شوند که بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلام با هم‌کیشان خود همسو و هماهنگ گردند تا بتوانند با وفاق و همدلی از مصالح عمومی امت اسلامی در مقابل توطئه دشمنان محافظت نمایند.

۲. مسئولیت

با توجه به اصل وحدت که هریک از مسلمانان را به منزله عضوی از پیکر اسلام محسوب می‌نماید، اعضای جامعه اسلامی نسبت به مسائل موجود اجتماعی بی‌تفاوت نبوده، احساس مسئولیت می‌کنند و این همان اصلی است که در فرهنگ اسلام و نیز سیره حضرت امیر (ع) موکداً مورد سفارش می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حق مظلوم و مقابله با ظالم و تلاش در جهت اصلاح و بهسازی امور اجتماعی از جمله مصادیق بارز اصل مسئولیت اجتماعی می‌باشند که پرداختن به آنها به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی افراد به حساب می‌آید و نشانه ایمان تلقی شده و موجب هدایت و رستگاری خواهد گردید و در مقابل، شانه خالی کردن از انجام این مهم، بدی‌ها را بر انسان مستولی گردانیده، روی گردانی خداوند نسبت به بنده را در پی خواهد داشت. حضرت علی (ع) در فرمایشات خود ترک‌کنندگان امر به معروف و نهی از منکر را شدیداً مورد نکوهش قرار می‌دهد و از کسانی که در انجام امور مسلمین از خود سلب مسئولیت می‌کنند انتقاد می‌کند: «همانا شما برادران دینی یکدیگرید، نه یکدیگر را یاری می‌دهید، نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به هم

می‌بخشید و نه به یگدیگر دوستی می‌کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳)؛ هم‌چنان که کوفیان را به سبب بی‌تفاوتی نسبت به غارت اموال مسلمانان توسط دشمنان به سوسمار و کفتار تشبیه می‌کند که از روی ذلت و خواری درون لانه و مخفی‌گاه خود می‌خزند (همان، خطبه ۶۹).

در راستای توجه به این اصل اجتماعی، کودک امروز باید به‌گونه‌ای تربیت شود که آمادگی فهم و پذیرش مسئولیت اجتماعی در وی به‌وجود آید، بیاموزد که برای آینده، فردی بشردوست و خدمتگزار برای جامعه اسلامی و در طریق خیر و فضیلت انسانی باشد، بیاموزد که در زندگی اجتماعی نباید تنها به سلامت خود خرسند باشد بلکه رنج و محنت هموعانش نیز درد و محنت وی است و نهایتاً اینکه بیاموزد که نه فقط در مقابل بندگان خدا، که در قبال شهرها، خانه‌ها و حتی حیوانات نیز مسئولیت دارد.

۳. عدالت

یکی از اصول تربیت اجتماعی، اصل عدالت اجتماعی است که منظور آن است که انسان نسبت به حقوق دیگران از حق تجاوز نکند و تحت‌تأثیر عواطف و احساسات قرار نگرفته، از راه راست منحرف نشود. خداوند متعال عدالت اجتماعی را به عنوان یک اصل ضروری و خدشه‌ناپذیر مطرح کرده، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل، آیه ۹۰). براساس این آیه با هریک از افراد اجتماع باید به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است و این ویژگی اجتماعی است که شامل تمام مکلفین می‌شود و خدای سبحان همه افراد جامعه را به برپایی عدالت فرمان می‌دهد. در همین رابطه امیرمؤمنان علی (ع) به عنوان مظهر عدالت در طول تاریخ، همواره پیروان خویش را به برقراری عدل و دادگری در تمام زمینه‌ها و رفتار توأم با انصاف با عموم مردم سفارش فرموده است. با توجه به آیات و روایات موجود در این زمینه روشن می‌شود که اسلام به اصل عدالت نه به عنوان یک صفت اخلاقی فردی بلکه به عنوان اصلی راهبردی می‌نگرد که باید به صورت ملکه‌ای جاوید در جان مؤمنان راسخ شود و در

سراسر زندگی فردی و اجتماعی آنان جریان یابد و این مهم جز در سایه تربیت صحیح اجتماعی حاصل نمی‌گردد، تربیتی که بر مبنای آن انسانی عادل شکل بگیرد که در برخوردهای اجتماعی و در رفتار با دیگران به عدالت پایبند باشد، وظیفه خود را نسبت به دیگران به خوبی انجام دهد، با هر فردی رفتاری در خور او داشته باشد و حق دیگران را ادا نماید و زمانی که تمامی افراد اجتماع به صفت عدالت آراسته شده و در گفتار و رفتارشان به آن پایبند باشند جامعه روی سعادت و آرامش را خواهد دید.

۴. مشارکت

مشارکت و همکاری افراد در انجام امور اجتماعی به عنوان یک اصل اجتماعی اساس زندگی بشر و عامل اصلی در پیشرفت‌ها و پیروزی‌های روزافزون است. به گونه‌ای که بدون آن، هیچ جامعه‌ای شکل نخواهد گرفت و مسیر ترقی و کمال را طی نخواهد نمود. به همین دلیل آیین الهی اسلام رعایت این اصل را در جامعه ضروری دانسته و مسلمان را به همکاری هرچه بیشتر فراخوانده است.

انسان به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است، نیاز دارد که بسیاری از کارها را به شکل جمعی و با مشارکت دیگران انجام دهد. همان‌که علی (ع) همه مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و همچون نیاز انسان به اعضا و جوارح خویش معرفی می‌کند. زیرا اساس زندگی اجتماعی بر مشارکت و تعاون پایه‌ریزی شده است و نظام بنیادین اسلام بسیاری از قوانین اجتماعی خود را بر اصل مشارکت اجتماعی استوار نموده است. بنابراین بجاست که در عرصه تربیت اجتماعی همواره این اصل را مطرح نظر قرار داده و در پرورش روحیه گرایش کودکان و نوجوانان، از همان مراحل اولیه تربیت به مشارکت و همکاری در امور جمعی همت گماشته شود؛ در این راستا محیط خانه به عنوان اولین جایگاه تربیت اجتماعی و آنگاه محیط بازی و نیز مدرسه که در آنها جمع کثیری از دوستان و همسالان در تربیت اجتماعی و رشد شخصیت کودک تأثیرگذارند، می‌توانند زمینه‌های بسیار مناسبی را برای شکل گرفتن روحیه مشارکت و همکاری در فرد فراهم آورند.

مسلماناً در جامعه‌ای که روحیه مشارکت، همکاری و همیاری به هموعان نهادینه گردد، کمتر افراد جامعه احساس رنج، درد و گرفتاری می‌کنند؛ چرا که بی‌تردید کسی که به رفع گرفتاری‌های مردم، خدمت به ایشان و هموعان و در سطح کلان‌تر مشارکت عمومی می‌پردازد، علاوه بر زندگی مسالمت‌آمیز و تقویت روحیه مشارکت و همکاری، کمتر شاهد فقر و گرفتاری فردی و اجتماعی خواهد بود.

۵. محبت و مودت

از دیدگاه اسلام، محبت و مودت درحقیقت مایه قوام و برپایی جامعه انسانی است و به منزله اکسیری است که پیوندهای اجتماعی را استحکام می‌بخشد. آن کس که انسان را برای زندگی اجتماعی خلق نموده، احساس نیاز به این پیوند و رابطه ضروری را نیز در نهاد او به امانت نهاده است. او هم خود رحمان، رحیم، رؤوف و ودود است و هم بندگان را بر این سرشت آفریده است و همواره آنان را به مهربانی و مهرورزی تشویق می‌کند و مهروزان را جزء اصحاب میمنه معرفی می‌فرماید (بلد، آیات ۱۷ و ۱۸) و رسول خدا(ص) نیز با دلی رؤوف و مهربان، مردم را برای یافتن طریق سعادت راهنمایی می‌کند و خیر و سعادت امت را در گرو محبت و مهربانی می‌داند. در همین راستا معصومین(ع) به پیروی از خدا و رسول او بر ضرورت دوستی و محبت مؤمنان تأکید دارند و آن را لازمه مسلمانی و تداوم دوستی‌ها می‌شمارند.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که محبت و مودت یکی از اصول مهم در عرصه تربیت اجتماعی است که لازم است انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند. کودکان و نوجوانانی که در محیطی آکنده از مهر و محبت تربیت می‌شوند و در مسیر تربیت خویش از چشمه زلال محبت و مودت سیراب می‌گردند، می‌توانند در بزرگسالی کانون مهر و محبت برای دیگران واقع شوند. بدیهی است چنانچه افراد یک جامعه مهربان و دلسوز باشند، همه نسبت به یکدیگر غمخوار و باعاطفه می‌شوند؛ در نتیجه هرکس در حالی که خود دل‌رحم و رؤوف است، مورد لطف و مهربانی دیگران نیز واقع می‌شود و مهرورزی به دیگران،

خود سرچشمه بسیاری از فضایل دیگر همچون نیکوکاری، همدردی، ایثار و.... است که از جمله ضروریات زندگی اجتماعی محسوب می‌شوند.

روش‌های تربیت اجتماعی

از مطالعه و تعمق در گفتار و سیره عملی حضرت علی(ع) می‌توان منشور جامعی از شیوه‌های تربیت اجتماعی را استخراج کرد که شیوه‌های ذیل از آن جمله می‌باشد: روش الگویی، موعظه و نصیحت، عبرت‌آموزی، نظارت و مراقبت، و تشویق و تنبیه.

۱. روش الگویی

یکی از بهترین راه‌های تربیت اجتماعی، ارائه الگویی مناسب و شایسته است. به طور کلی، الگوها نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد یا انحطاط انسان‌ها دارند و معمولاً انسان تمایل دارد در تمامی گفتار، کردار، حرکات و سکانات از مقتدا و الگوی خود تبعیت نماید. به همین جهت هرچه الگوها با صفات کامل‌تر و عالی‌تری می‌باشند، سرمشق‌های بهتری برای فرد هستند. قرآن کریم وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) را بهترین الگوی انسان‌ها معرفی کرده و می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ برای شما در شخصیت خدا (ص) الگوی نیکویی است» (احزاب، آیه ۲۱).

برای اینکه فرایند تربیت اجتماعی به خوبی تسهیل گردد، لازم است الگوهای اجتماعی مناسبی برای فرد فراهم شود تا او بتواند با آنها ارتباط عاطفی برقرار کرده و مجذوبشان گردد. کودکان و نوجوانان معمولاً ارزش‌های موجود را در رفتار والدین و مربیان خود جستجو می‌کنند. در این راستا با توجه به مقبولیت والدین و مربیان در سال‌های اولیه زندگی، تحصیل و آمادگی‌های ذهنی و نیز جنبه تقلیدی کودک در سنین اولیه، نقش اولیای خانه و مدرسه در زمینه پرورش اجتماعی فوق‌العاده مهم خواهد بود. در این رابطه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگسالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند، چونان ستم‌پیشگان جاهلیت نباشید که نه ازدین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می‌کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶).

۲. موعظه و نصیحت

پند و موعظه یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اجتماعی است که در سیره تربیتی امام علی(ع) به کرات دیده می‌شود. آن حضرت برای تربیت فرزندان خود در عرصه‌های اجتماعی در فرصت‌های مناسب به موعظه و نصیحت می‌پرداخت و با لحنی آکنده از محبت و دلسوزی به راهنمایی آنها همت می‌گماشت؛ چنان‌که در بستر شهادت و در وصیت خود به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) نیز به شیوه پند و موعظه به نکات تربیتی عمیقی اشاره می‌کند و اندرز و موعظه را عاملی برای حیات و بیداری دل انسان قلمداد می‌نماید: «دلت را با اندرز نیکو زنده کن» (همان، نامه ۳۱). در همین زمینه، امام(ع) پند و اندرز دادن را به عنوان یکی از حقوق مردم بر حاکم جامعه اسلامی معرفی نموده و وظیفه رهبر می‌داند که به شیوه موعظه و نصیحت به امر تربیت، هدایت و راهنمایی مردم همت گمارد: «همانا بر امام و رهبر واجب نیست جز آنچه را خدا امر فرماید و آن کوتاهی نکردن در پند و نصیحت و تلاش در خیرخواهی و..... است» (همان، خطبه ۱۰۵) و این همان روشی است که خداوند برای تربیت انسان‌ها بدان سفارش فرموده است، چنان‌که به پیامبر فرمان می‌دهد: «مردم را با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن» (نحل، آیه ۱۲۵).

۳. عبرت‌آموزی

مطالعه تاریخ و درک تجارب ارزنده‌ای که از زندگی گذشتگان به دست می‌آید، می‌تواند چراغ فروزانی برای مسیر آینده انسان ترسیم کند. یافتن علل و عوامل رشد و انحطاط گذشتگان و تفکر در عاقبت زندگی آنان و عبرت‌آموزی در تربیت اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. آنچه که در قرآن به عنوان داستان و سرگذشت پیشینیان آمده است حاوی نکات تربیتی فراوانی است که می‌تواند به مخاطب در تشخیص مسیر صحیح عمل و رفتار، کمک نماید و هدف قرآن از بیان وقایع گذشتگان موعظه و تربیت انسان و عبرت دادن به اوست. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ به راستی در

سرگذشت آنان برای خردمندان، عبرتی نهفته است» (یوسف، آیه ۱۱۱).
 بر همین اساس حضرت امیر(ع) به فرزندش امام حسن(ع) مطالعه تاریخ و درس گرفتن از سرنوشت آنان را توصیه نموده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱). هم‌چنان‌که می‌فرماید: «من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را برای تو برگزیدم و بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم» (همان، نامه ۳۱). در واقع حضرت با این روش می‌خواهد تجارب ارزشمند گذشتگان را در اختیار فرزندش قرار دهد تا او با انتخاب راه صحیح، آینده زندگی اجتماعی خویش را درخشان سازد.

۴. نظارت و مراقبت

نظارت و مراقبت یکی از روش‌های مورد استفاده در تربیت آدمی است که نقش اساسی در اصلاح رفتار فرد دارد و باعث حفظ ارزش‌های والای انسانی و تصحیح به موقع کردارها و رفتارها و جلوگیری از تباهی فرد و جامعه می‌شود. انسان برای سیر درست در جهت کمال مطلق نیازمند نظارت و مراقبت است که این نظارت و مراقبت می‌تواند از درون و به وسیله خود فرد و یا از بیرون توسط دیگران انجام پذیرد.

از آنجا که انسان پیوسته در معرض اشتباه و گناه، و تباهی و پلیدی است، لازم است خود حریم حقیقت خویش را پاس دارد و به حساب خویش توجه نماید تا از فرو لغزیدن خود جلوگیری کند یا در صورت لغزش به سرعت جبران سازد که اگر آدمی خود بدین‌روش به اصلاح خود نپردازد کسی نتواند او را اصلاح نماید. امام علی(ع) همواره بر مراقبه و محاسبه نفس تأکید می‌کرد و تلاش می‌نمود مردمان را بدان برانگیزد: «کسی که به حساب نفس خود برسد سود برد و آن کس که از خود غافل ماند زیان می‌بیند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸)

از سوی دیگر و به منظور پیشگیری از سرکشی‌ها و رفتارهای غیراجتماعی فرد، می‌بایست اعمال، رفتار و عملکرد وی تحت کنترل و نظارت باشد. هم‌چنان‌که خداوند

انسان را به مراقبت بیرونی توجه می‌دهد و می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای رسول ما! به مردم بگو هر عملی که انجام دهید، خدا و رسول او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند، آنگاه به سوی خدا که دانای عوالم غیب و شهود است بازخواهید گشت» (توبه، آیه ۱۰۵).

حضرت امیر(ع) نیز به امر نظارت و مراقبت بر اعمال و رفتار کارگزاران امور مردم توجه ویژه‌ای داشتند که مبدا حقی از افراد جامعه پامال گردد. در این خصوص آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «رفتار کارگزاران را بررسی کن و بازرسانی راستگو و وفایسته بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵. تشویق و تنبیه

یکی از شیوه‌های مؤثر در فرایند تربیت اجتماعی افراد، شیوه تشویق رفتار و عملکرد مطلوب آنان به منظور افزایش تکرار و تثبیت آن عمل و رفتار می‌باشد. انسان بر مبنای فطرتش مایل به کمال و نیکویی و دوستدار تشویق و قدردانی است و بر این اساس بهترین روش در برانگیختن انسان‌ها برای اصلاح رفتار و تقویت و تکرار عملکرد مطلوب و مثبت روش تشویق و تحسین می‌باشد. تشویق موجب اعتقاد و اعتماد بیشتر شخص به نتیجه عملش می‌شود و مشوق بیشتری برای انجام عمل در وی فراهم می‌آید. در اندیشه و سیره امام علی(ع)، استفاده از تحسین و تمجید اصحاب و یاران همواره به عنوان یکی از راه‌های تشویق و ترغیب آنان به انجام کارهای نیک مطرح می‌باشد. حضرت در این باره به مالک اشتر می‌فرماید: «همواره آنان را تشویق کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد» (همان).

از سوی دیگر، نقش تنبیه در تربیت اجتماعی فراهم کردن بیم از بدی و پلیدی و نوعی ایمن‌سازی در مقابل خطا و اشتباه و جلوگیری از سقوط انسان در ورطه تباهی

است. از روش تنبیه برای کاهش دادن احتمال رفتارهای نامطلوب انسان استفاده می‌شود که توییح و سرزنش، محروم‌سازی، جریمه کردن، قهر کردن، تنبیه بدنی و... از جمله اشکال مختلف کاربرد تنبیه در بازدارندگی انسان از انجام اعمال ناصواب و ناشایست محسوب می‌شوند.

بنابر آنچه که گفته شد، استفاده از شیوه تشویق و تنبیه می‌تواند در تربیت و اصلاح رفتار و عملکرد افراد در اجتماع مثمر ثمر باشد، و این نیز به نوبه خود در اصلاح بهبود روابط اجتماعی میان افراد تأثیرگذار خواهد بود. به شرط آنکه بجای و متناسب با میزان و نوع عمل باشد و روحیات شخص و گرایش‌ها و مرتبه وجودی او در آن لحاظ گردد. چنان‌که امیرالمومنین علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند. زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام را براساس کردارشان جزا ده» (همان).

ویژگی‌های افراد رشد یافته در عرصه تربیت اجتماعی

بر مبنای سیره و کلام امیرالمؤمنین علی (ع) پرورش یافتگان عرصه تربیت اجتماعی دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که می‌توان آنها را در سه بُعد «شناختی»، «رفتاری» و «عاطفی» دسته‌بندی و تشریح نمود.

الف) ویژگی‌های شناختی

۱. خیرخواهی برای دیگران: خیرخواهی در فرهنگ انسان‌ساز اسلام از منزلتی والا برخوردار بوده و در ردیف اصول اخلاق اجتماعی جای دارد. در جامعه اسلامی، مسلمان هرگز به ضرر، مصیبت و گرفتاری دیگران راضی نیست و برای مردم همان اندازه طالب خیر است که برای خودش خیر و خوبی مطالبه می‌کند. هم‌چنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «آنچه را برای خود می‌خواهی برای دیگران بخواه و آنچه را برای خود خوش نمی‌داری، برای دیگران نیز خوش ندار.»

۲. عفو و گذشت: بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که گذشت یکی از اصول اساسی در برخورد با لغزش افراد با ایمان است. در صحنه زندگی اجتماعی بشر، کمتر کسی را می‌توان یافت که از عیب پاک بوده و از لغزش مصون باشد و به طور طبیعی نمی‌توان انتظار داشت که همه کارهای یک فرد درست و پسندیده باشد. بنابراین انسان تربیت‌یافته در فرهنگ اجتماعی اسلام در پیروی از سیره عملی پیشوایان بزرگوار اسلام عفو و گذشت را بر عقوبت انتقام ترجیح می‌دهند. «انسان پرهیزگار ستمکار خود را عفو می‌کند، به آن که محرومش ساخته می‌بخشد، به آن کس که با او بریده می‌پیوندد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۳. پرهیز از خودمحوری: از آنجا که انسان مؤمن همیشه عظمت و کبریای خالق خود را در ذهن و خاطره دارد، هیچ‌گاه به خود اجازه گردن‌فرازی در مقابل دیگران را نمی‌دهد و خواست‌ها و علائق شخصی خود را به دیگران روا نمی‌دارد زیرا تربیت اجتماعی مستلزم آن است که فرد علاوه بر مدار فردی در مدار اجتماعی نیز به گردش درآید و امور را هم‌چنان‌که از دریچه مدار فردی می‌بیند از دریچه دیدگاه دیگران بنگرد. با فراهم آمدن این داد و ستد است که تربیت اجتماعی بخشی از ثمرات خود را آشکار می‌کند و قوام و استواری حیات اجتماعی را موجب می‌شود (باقری، ۱۳۸۴). امام علی (ع) خطاب به مالک می‌فرماید: «از امتیازخواهی پرهیز و از اینکه چیزی را که همه مردم نسبت به آن یکسانند به خود اختصاص دهی، دوری کن» (همان، نامه ۵۳).

۴. حسن ظن: انسان مؤمن نسبت به برادران دینی خود گمان نیکو دارد و صفحه اندیشه و نیت وی به چیزی جز نیکویی و زیبایی درباره دیگران مصور نیست. حضرت امیر(ع) در این باره می‌فرماید: «شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چراکه برای آن برداشت نیکویی می‌توان داشت» (همان، حکمت ۳۶۰) و در جایی دیگر می‌فرماید: «از گمان بردن به مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است» (همان، حکمت ۳۰۹). مسلماً بدگمانی و سوء ظن نسبت به دیگران نتیجه‌ای جز از بین رفتن الفت و همبستگی، سلب اعتماد نسبت به یکدیگر و درنهایت تفرقه و جدایی میان مؤمنان را در برنخواهد داشت.

ب) ویژگی‌های رفتاری

۱. خوش رفتاری با مردم: مطابق با دستورات دین مبین اسلام مسلمانان موظف‌اند با هم رفتاری نیکو و ملاحظت‌آمیز داشته باشند. «با مردم با نیکی رفتار کن و گره و وحشت را از دل‌های آنان بگشای» (همان، نامه ۱۸). ملامت و نرمخویی، رعایت ادب و احترام، محبت و مهربانی، حسن خلق و گشاده‌رویی و... از جمله صفات نیکویی هستند که انسان مؤمن در پرتوی برقراری روابط صحیح و انسانی با دیگران در خود پرورش داده و صفحه دل خویش را از رذایل اخلاقی و ناپسند پالایش می‌دهد.

۲. صلح‌رحم و ارتباط سازنده با دیگران: حضرت امیر(ع) ارتباط و همنشینی با برخی افراد و اقشار را برای انسان سازنده و مفید معرفی می‌فرماید. از جمله صلح‌رحم و ارتباط و معاشرت با اهل علم، اهل ایمان، همسایگان و... مورد سفارش ایشان می‌باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ۴۷، خطبه ۲۳). انسان مؤمن با صلح‌رحم یا ارتباط عاطفی و صمیمی با بستگان به پیوندهای خویشاوندی و روابط خانوادگی استحکام می‌بخشد و با برقراری ارتباط با سایر افراد توصیه شده، علاوه بر زمینه‌سازی برای حل مشکلات، موجبات تقویت دین و آیین را فراهم می‌سازد.

۳. رعایت حقوق دیگران: اسلام دین وظایف متقابل است و اقشار جامعه نسبت به هم حقوقی دارند که ملزم به انجام آن می‌باشند که حقوق والدین بر فرزند و فرزند بر والدین، حقوق همسر، حقوق دوست و همکار، حقوق همسایه و غیره همگی از آن جمله‌اند. مسلمان واقعی کسی است که در لزوم رعایت حقوق دیگران به عنوان یکی از اصول شریعت اسلامی تردید نمی‌کند، زیرا می‌داند که خداوند متعال حقوق بندگان را مقدمه حقوق خویش قرار داده است و بقا و تداوم اجتماعی بشر در گرو پیوندی نیرومند میان آحاد جامعه از طریق رعایت حقوق یکدیگر است. «خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق، برخی دیگر را واجب گرداند و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر همانند آن را انجام دهد» (همان، خطبه ۲۱۶).

۴. نرمی و نیکویی در گفتار: یکی از نکات مورد توجه انسان مؤمن در معاشرت‌های اجتماعی، استفاده از کلام نیکو و زیبا در سخن گفتن با دیگران است، یعنی سخن خوش و پسندیده‌ای که موجب خشنودی شنونده گردد، آن‌گونه که انسان دوست دارد دیگران با او سخن بگویند. «مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید نخست می‌اندیشد، اگر نیک بود اظهار می‌دارد و چنانچه ناپسند بود پنهانش می‌کند» (همان، خطبه ۱۷۶). هم‌چنان‌که مولای متقیان علی(ع) یکی از نشانه‌های انسان مؤمن و پرهیزگار را دور بودن از سخن زشت و ناروا، پرهیز از خواندن دیگران با القاب ناپسند و نرمی در گفتار معرفی می‌فرماید. (همان، خطبه ۱۹۳).

ج) ویژگی‌های عاطفی

۱. مهرورزی: اسلام دین رحمت و رأفت است و مؤمنان تربیت یافته در پرتو چنین آیینی که همواره فیض ربوبی و رحمت الهی را نوازشگر جان خویش یافته و دل در گرو مهر و محبت اهل‌بیت(ع) دارند؛ با قلبی مالا مال از عشق و محبت به دیگران رشته عطف و مهربانی را میان خود برقرار و محکم می‌سازند و نسبت به یکدیگر رؤوف و مهربان هستند و با مهرورزی به هموعان محیطی سرشار از دوستی و مودت را ایجاد می‌کنند که امنیت و آسایش روانی را برای اجتماع به ارمغان خواهد آورد. «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲. همدردی با دیگران: توجه به احساسات و عواطف دیگران و همدردی با آنان در مواقع سختی از جمله مسئولیت‌هایی است که انسان مؤمن در زندگی اجتماعی خود را موظف به انجام آن می‌داند. هم‌چنان‌که وقتی نتواند نیاز نیازمندان را مرتفع سازد، سعی می‌کند با همدردی و شرکت عملی در غم مستمندان و محرومان جامعه بر زخم‌های دل آنان مرهم گذارد و تسلی‌بخش خاطر حزین آنها باشد. امیرالمؤمنین علی(ع) در دوران خلافتش بیش از هر زمان دیگر با ساده‌زیستی، زندگی خود را همسطح طبقات ضعیف جامعه قرار داده بود تا رنج فقر، فقرا را آزرده نسازد. ایشان ضمن همدردی با گرسنگان

و مستمندان جامعه می فرمود: «آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم؟» (همان، نامه ۴۵).

۳. ترک حسادت: مؤمن از حسادت برحذر است چون می داند حسد ورزیدن باعث نابودی ایمان و قطع ارتباط و دوستی با دیگران می شود و چه بسا به نتایجی ختم شود که عواقب آن جبران ناپذیر باشد، هم چنان که قابیل نسبت به هابیل حسادت ورزید و همین عامل باعث شد که وی دست به قتل برادر بزند. «حسد نورزید که حسد ایمان را چونان آتشی که هیزم را خاکستر کند نابود می سازد» (همان، خطبه ۸۶). «شما همانند قابیل نباشید که حسادت او را به دشمنی واداشت. تعصب، آتش کینه را در دلش شعله ور کرد و شیطان باد کبر و غرور در دماغش دمید و سرانجام پشیمان شد و خداوند گناه قاتلان را تا روز قیامت برگردن او نهاد» (همان، خطبه ۱۹۲).

۴. پرهیز از کینه و دشمنی: انسان برخوردار از تربیت اجتماعی که به سجایای اخلاقی پسندیده در اسلام متخلق گردیده، از هرگونه کینه توزی و بی مهری نسبت به همکیشان خود برحذر است، زیرا قلب مؤمنی که محبت و دوستی اهل بیت (ع) را در خود جای داده است نمی تواند محل بغض و کینه باشد. دشمنی و کینه توزی با مردم از امور ناپسندی است که حضرت علی (ع) نسبت به آن هشدار داده است. «با یکدیگر دشمنی و کینه توزی نداشته باشید که نابودکننده هر چیزی است» (همان، خطبه ۸۶). در همین رابطه آن حضرت از مالک اشتر می خواهد که گره هر کینه ای را در دل مردم بگشاید و رشته هر نوع دشمنی را قطع نماید. (همان، نامه ۵۳).

جدول: اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه

ویژگی‌های افراد دارای تربیت اجتماعی			روش‌های تربیتی	اصول	اهداف
عاطفی	رفتاری	شناختی			
۱. مهریزی ۲. همدردی با دیگران ۳. ترک حسادت ۴. پرهیز از کینه و دشمنی	۱. خوش رفتاری با مردم ۲. صله رحم و ارتباط سازنده با دیگران ۳. رعایت حقوق دیگران ۴. نرمی و نیکویی در گفتار	۱. خیرخواهی برای دیگران ۲. عفو و گذشت ۳. پرهیز از خودمحوری ۴. حسن ظن	۱. الگویی ۲. موعظه و نصیحت ۳. عبرت آموزی ۴. نظارت و مراقبت ۵. تشویق و تنبیه	۱. وحدت ۲. مسئولیت ۳. عدالت ۴. مشارکت ۵. محبت و مودت	۱. همبستگی و اتحاد مسلمانان به یکدیگر ۲. اهتمام به امور مسلمانان و داشتن روحیه حساسیت نسبت به مسائل جامعه ۳. رعایت حقوق انسانها و مراعات انصاف و عدالت خواهی ۴. تعاون و همفکری در امور و تکامل اجتماعی ۵. معاضرت و برقراری روابط مهرآمیز با دیگران

جمع‌بندی

با توجه به مطالبی که در این نوشتار از منظر نهج‌البلاغه بیان گردید، تربیت در معنای وسیع شامل پرورش روح و جسم، فرد و جامعه در ابعاد گوناگون است و یکی از ابعاد مهم تربیت که تأثیر شگرف و قابل توجهی بر سایر ابعاد دارد، حیطه اجتماعی آن است. انسان در جامعه به تناسب نیازها و گرایش‌های خود ناگزیر به ارتباط با افراد و گروه‌های مختلفی است که در تعامل و داد و ستد اجتماعی بین خود، هر کدام نیازهای یکدیگر را برآورده می‌کنند؛ از این رو می‌توان محور تربیت اجتماعی را سلسله‌ای از حقوق، وظایف و مسئولیت‌های مربوط به زندگی در میان جامعه دانست. به این معنی که افراد و گروه‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، نسبت به هم حقوقی دارند و در ارتباط با یکدیگر وظایف و مسئولیت‌هایی را عهده‌دار می‌باشند. تربیت در بعد اجتماعی‌اش فرایندی است که هدفش تسهیل عمل به وظایف اجتماعی در مقابل سایر انسان‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است.

بنابراین لازم است به منظور تربیت اجتماعی و پرورش بهترین اعضا برای اجتماع سه مرحله را پشت‌سر گذاشت: اول، آشنا ساختن فرد با حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، که البته این کار باید به تناسب سن و مراحل رشد فرد و متناسب با نیازهای هر مرحله صورت گیرد؛ دوم، ایجاد مهارت‌های اجتماعی همچون مهارت‌های لازم برای انجام وظایف مدنی و شغلی در فرد؛ و سوم، پرورش اخلاق شایسته اجتماعی در فرد تا با تخلق به این اخلاق، هم تعهد والاتر به ادای حقوق و انجام وظایف اجتماعی در وی پدید آید و هم از این طریق موجبات رشد و سعادت خود و جامعه پیرامونی را فراهم آورد.

از سوی دیگر، بخش اعظم موفقیت یک نظام تربیت اجتماعی کارآمد در گرو شیوه‌هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ و به کار گرفته می‌شوند. آنچه بیش از هر چیزی می‌تواند به مربیان در امر تشخیص و به کارگیری روش‌های تربیتی مناسب کمک نماید، توجه به ویژگی‌های عمومی و اختصاصی متربیان و نیز اهداف

و اصولی است که برای تربیت اجتماعی مورد نظر می‌باشند. و نهایتاً، از آنجا که اساس اجتماعی شدن در سنین اولیه زندگی پی‌ریزی می‌شود، نقش اولیاء و مربیان خانه و مدرسه در زمینه پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان فوق‌العاده مهم خواهد بود؛ از این رو بجاست که با نصب‌العین قرار دادن دیدگاه‌ها و سیره عملی الگوهای مطمئنی همچون امیرمؤمنان علی (ع) به تربیت اجتماعی فرزندان این مرز و بوم که اعضای رسمی اجتماع فردا می‌باشند، کمر همت ببندند تا در پرتو تربیت صحیح اسلامی افرادی بشردوست، خدمتگزار برای انسانیت و برخوردار از خصلت‌های پسندیده اجتماعی پرورش یابند؛ پرورش یافتگانی که در حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه تلاش کنند، در قبال مسائل و مشکلات هموعان خود احساس مسئولیت نمایند، در رعایت حقوق دیگران پایبند عدالت باشند، به مشارکت و همکاری در امور جمعی همت گمارند، و در برقراری روابط اجتماعی محبت و مودت را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۰). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر.
- نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰). *شرح غررالحکم*، تهران: دانشگاه تهران.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸). *ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه*، تهران: خانه اندیشه جوان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). *منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه*، تهران: انتشارات دریا.
- شعبه الحرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین (۱۳۵۴). *تحف العقول*، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۳). «تربیت اجتماعی از دیدگاه علوی»، *ماهنامه کوثر*، شماره ۵۹، پاییز ۸۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۴). *اصول کافی*، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۳). *بحار الانوار*، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.

<http://www.balagheh.net/nahj-htm/far/id/library/eqtesad-nahj>.

<http://www.bmsu.ac.ir/nemayandegi/ahkam/akhlaq/tarb>.

<http://www.erfan.ir/farsi/book/moasherat/01.html>.